

ادامه از صفحه اول

قبض و بسط فعالیت حزبی در ایران

تصوری که در نظر مخاطبان ایجاد می‌شود این خواهد بود که مواضع آن شخص، برآیند مواضع یک جمع است و نه شخص خودش. همین موجب می‌شود که در منظر افکار عمومی حس اعتماد بیشتری به آن «فرد» ایجاد شود. این در حالی است که به تجربه دیده‌ایم در بسیاری موارد اساسا مواضع رهبران احزاب نه لزوما مواضع برآیند مجموعه که بیشتر مواضع شخصی‌ای است که به نام حزب اعلام می‌شود. از همین‌روست که با رفتن این اشخاص حزب یا گروه سیاسی اساسا بخش بزرگی از هویت خود را از دست می‌دهد(به عنوان مثال نقشی که مهدی کروبی برای حزب اعتماد ملی داشت).

۲- **حزب به مثابه تر بیون طرح مطالبات**
واقعیت این است که در ایران ما حول و حوش انتخابات مقطع مناسبی است برای طرح مطالباتی که تا پیش از آن امکان طرح در فضای عمومی نداشتند.به دلیل همین محدودیت زمان، تنها امکانی که برای طرح مطالبات در سطح وسیعی باقی می‌ماند، تشکیل حزب یا گروهی سیاسی است؛ زیرا فقط در این‌صورت است که افراد می‌توانند مطالبات خود را در سطح وسیع مطرح کنند و ابزارهای دیگری چون روزنامه یا ان‌جی‌او به دلیل هزینه‌های مالی یا برد رسانه‌ای کم چنین امکانی ندارند. به بیانی دیگر از آنجا که مطالبات در مقاطع دیگر امکانی برای طرح ندارند و به این دلیل که مقطع انتخابات فقط نهادهای رسمی و نیم‌رسمی سیاسی امکان سخنگویی دارند، افراد در این مقاطع مباردت به ایجاد حزب یا یک ائتلاف می‌کنند.چه؛ اگر به احزاب بنگریم خواهیم دید که عملکرد بسیاری از آن‌ها در قالب‌هایی چون روزنامه یا ان‌جی‌او قابل انجام بوده و عنوان «حزب» بر این مجموعه صحیح نیست؛ اما چون «بهار طرح مطالبات» در ایران ما کوتاه است، تنها امکان راه‌اندازی حزب، ائتلاف یا یک گروه نیمه‌رسمی سیاسی است.
خاصه آن که اگر فضای سیاسی کم و بیش آزاد در حول‌وحوش انتخابات پس از آن هم تداوم می‌یافت، این احتمال وجود داشت که دیگر انگیزه‌ای برای تاسیس «حزب به مثابه تر بیون» نباشد.

۳- **ارسال پیام فاصله با روند اصلی**

در انتخابات اخیر مجلس حزابی تشکیل شدند که انگیزه اصلی موسسان آن، ارسال این سیگنال به برخی نهادهای بود که آن‌ها از جریان اصلی جدا شده‌اند و بنابراین صلاحیت ورود به مجلس را دارند.
رد صلاحیت‌های گسترده شورای نگهبان این نکته را روشن کرد که حتی با چنین اقداماتی نمی‌توان از سد نظرات استصوابی گذشت.نتیجه آن که یکی از انگیزه‌های اصلی برای «تفکیک نهادی» همین نکته است.ارسال پیام به برخی نهادهای که ما از روند اصلی جدا شده‌ایم و گفتمان متفاوتی را دنبال می‌کنیم.

در نهایت می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که از عوامل «تفکیک نهادی» محدود بودن فضای کم و بیش باز سیاسی به مقطع حول‌وحوش انتخابات است و از عوامل «تجمیع نهادی» رد صلاحیت‌های گسترده شورای نگهبان.

خبر

ولایتی: همکاری با سازمان بین‌المللی مقابل‌ه با پول شویی به صلاح نیست

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام همکاری با سازمان بین‌المللی مقابل‌ه با پول شویی را به صلاح کشور ندانست.

به گزارش ایسنا،دکتر «علی اکبر ولایتی» روز گذشته پس از دیدار با «استفان لوبرین» معاون مدیرکل سازمان ملل متحد در امور انسان دوسنانه‌وهمهانگ‌کننده‌مک‌های‌انضطرابی در جمع خبرنگاران و در پاسخ به سوالی درباره ادعای تحریم قرار‌گاه‌خاتم‌الانبیاء،سپاه‌ا‌سوی و بانک ایرانی گفت: دلیل تحریم قرارگاه خاتم و قدس یا دست‌گانه‌ها و سازمان‌هایی که پیش‌تر مبارزه علیه صهیونیست‌ها و حامیان صهیونیست‌ها هستند این است که آنها در جهت مقابل‌ه با دشمنان اسلام گام بر می‌دارند. ولایتی همچنین همکاری با اف‌ای‌تی‌اف سازمان‌بین‌المللی‌مقابل‌ه‌با پول‌شویی‌را به صلاح کشور ندانست و افزود: خودی‌ها نباید از نقش‌های دشمنان تبعیت کنند.

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع افروده: کسی برنده است که بتواند مقاومت را ادامه دهد. اگر کسی در مقابل این تحریم‌ها مقابل‌ه نکند هر روز حلقه‌ه تحریم‌ها تنگ‌تر می‌شود.

وی در رابطه با این که اگر ایران اف‌ای‌تی‌اف را نپذیرد این موضوع با برجام مرتبط خواهد بود؛ گفت: آن چه جوهره انقلاب اسلامی است مقاومت است. تا وقتی که مقاومت است پیروزی هم ادامه خواهد داشت. تجربه نشان داده مجموعه مقاومت یعنی عراق، سوریه، یمن، حزب‌الله و…هم‌چنین همه کسانی که از ایران حمایت می‌کنند هرگز از مقاومت خسته نمی‌شوند.

او در رابطه با پیام‌های امنیتی که پیوستن اف‌ای‌تی‌اف به دنبال خواهد داشت تاکید کرد: ما باید با این نوع محدودسازی‌ها مبارزه کنیم نه این که از آن‌ها تبعیت کنیم.

همدلی –مجید مسعودی- در بخش اول

گفت‌وگو با دکتر «داوود غریابی زندی» رئیس مرکز مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی – که روز پنجشنبه ۱۱ شهریور(شماره ۴۰۷) منتشر شد – ایشان به رویکرد نظری‌ای که باید برای تحلیل خاورمیانه اتخاذ شود، اشاره کرد.او در بخش پایانی این گفت‌وگو سیاست خارجی جمهوری اسلامی در خاورمیانه را باز کاوی کرده است. غریابی‌زندی معتقد است که سیاست خارجی ایران در خاورمیانه، نیازمند بازنگری جدی است. به عنوان مثال او استفاده روس‌ها از نوزه را اشتباه استراتژیک ایران می‌داند.ادامه این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.
آقای دکتر: به آینده خاورمیانه بپردازیم. فکر می‌کنید ممکن است خاورمیانه در چه وضعیتی قرار گیرد؟

پنج حالت ممکن است پیش آید:

حالت اول آن است که یک ساخت ملی را شاهد باشیم. یعنی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این استنباط برسند که شکل سنتی دولت‌ها در خاورمیانه قابل دوام نیست و لازم است دموکراسی‌های ملی شکل گیرند. منظور از شکل سنتی دولت، چیزی شبیه عربستان است. یعنی دولتی که طائفه‌ای است و کارکردهای حداقلی دارد؛ گرفتن مالیات؛ برقراری نظم؛ رفع تهدید اما این اقدامات هیچگاه خارج از کنترل نشده است. بنابر این شواهد خدمتتان عرض میکنم که چون دولت‌ها در خاورمیانه در درون خود معنا که چون کشورهای خاورمیانه در درون خود با تمایزات قومی، فرهنگی و جغرافیایی مواجهند و هر کدام از واحدها می‌توانند به صورت مستقل زیست کنند، به سمتی پیش رویم که ساخت‌های فدرالی شکل گیرد. به عنوان مثال یمن جنوبی و یمن شمالی در داخل یک ساخت فدرالی یک کشور شوند یا همین مدل را در

سوریه پیگیری کنیم. این گزینه محتمل‌ترین حالتی است که می‌تواند در خاورمیانه رخ دهد.
حالت سوم این است که همین دولت‌های فعلی در خاورمیانه به همین شکل بمانند. تنها نکته در این حالت وضعیت کردهاست. وضعیت فدرالی بعد از ۲۰۱۱ به شکلی شده است که برگرداندن آن به قبل از این دوران غیر ممکن است.

حالت چهارم این است که با یک سری حکومت‌های نظامی و دیکتاتوری مواجه شویم. مانندمصر.
حالت پنجم این است که به سمت تجزیه‌طلبی برویم. یعنی عراق سه تکه شود؛ سوریه سه تکه شود؛ یمن دو تکه شود. البته باید بگویم که به نظر نمی‌رسد کشورها به سمت تجزیه‌طلبی بروند.

اجازه دهید وارد مباحث ایران شویم. آیا در بلوک ایران و روسیه منافع ایران و روسیه با هم همپوشان است؟ مشخصا منظورم بحث استفاده روس‌ها از پایگاه نوزه است. نظر شما در این مورد چیست؟

روسیه دنبال این است که حوزه نفوذش را گسترش بدهد و داشتن یک پایگاه در ایران برایش خیلی اهمیت دارد. روس‌ها با توجه به منافع خودشان درست عمل کرده‌اند. این ایران بود که این مورد اشتباه استراتژیک کرد.

چرا؟
اول به این دلیل که یک کشور وقتی می‌تواند به کشور دیگر پایگاه نظامی بدهد که یکی از دو اتفاق بیفتد: کشور یا یک تهدید خارجی فوری مواضع باشد یا یک تهدید فوری داخلی. در بحث سوریه ما با هیچ‌کدام از این دو تهدید مواجه نبودیم.

دوم اینکه تمام چیزی که جمهوری اسلامی در ۲۷سال گذشته اندوخته بود، پرنسپوهایش بود. ما در حوزه‌های فراوانی هزینه دادیم و همچنان می‌دهیم. اینکه توسعه ما با این همه منابع مادی به تعویق افتاده است؛ اینکه دچار تحریم شده‌ایم؛ اینکه درآمد سرانه ما الان برابر درآمد سرانه در ۱۲۵۳، است، بخشی از هزینه‌هایی است که داده‌ایم. اما تنها چیزی که اندوخته بودیم این بود که اگر کشوری(فرضا آمریکا) بخواهد از خاک کشور دیگری علیه کشور ثالثی استفاده کند، همه کشورهای خاورمیانه ناتوان از رد درخواست آمریکا هستند، به جز ایران. شما به عراق، پاکستان، آذربایجان، ترکمنستان، عربستان و…نگریده‌اید. در این منطقه این تنها و تنها ایران است که اجازه نمی‌دهد از خاک خودش – به جز برای منافع ملی خودش –علیه کشور ثالثی استفاده شود.
و نکته آخر خود خطر روسیه است. ممکن است که الان فکر کنیم می‌خواهیم جلوی داعش را بگیریم. اما با توجه به پیشسینه روس‌ها، آیا خطر روس‌ها را در نظر گرفته‌ایم و می‌توانیم آنها را کنترل کنیم؟ به این دلایل اجازه دادن به روس‌ها برای استفاده از نوزه یک اشتباه استراتژیک بود و برای ما ضرر زیادی دارد.

اما موافقان استفاده روس‌ها از نوزه می‌گویند که این پایگاه فقط برای سوخت گیری بوده می‌شدد که به صورت هوایی سوختگیری انجام شود. یعنی هواپیماي سوختگیری برود سر مرز ایران و به جنگنده‌ها سوخت‌رسانی هوایی کند.
و اگر داعش موجودیت کشور را تهدید کند چه؟ آیا استفاده روس از نوزه توجیه‌پذیر است؟

دکتر داوود غریاق زندی کارشناس ارشد سیاست خارجی در گفت‌وگو با همدلی:

رویکرد منطقه‌ای ایران نیاز به بازبینی دارد



این فرض شما غلط است. چرا که من تردید دارم داعش بتواند حتی نزدیک مرزهای ایران شود. این

را با توجه به قدرت نیروهای نظامی ما در مرزها و نیز اشرف اطلاعاتی که نیروهای امنیتی ما بر منطقه دارند، می‌گویم. نیروهای نظامی و امنیتی ما تاکنون هم هشیار عمل کرد‌اند و هم کارآمد. البته ممکن است که داعش چند اقدام انجام داده باشد، اما این اقدامات هیچگاه خارج از کنترل نشده است. بنابر این شواهد خدمتتان عرض میکنم که چون دولت‌ها در خاورمیانه در درون خود معنا که چون کشورهای خاورمیانه در درون خود

اگر نظر تان باشد قدسری تاریخی تر به موضوع سیاست خارجی ایران نگاه کنیم. در اوایل انقلاب نفوذ ما در منطقه ناشی از فضای انقلابی و برای «گسترش عدالت» بود. مشخصا اکنون چه انگیزه‌های برای نفوذ داریم؟ آیا انگیزه اصلی ما امنیتی است یا همچنان مباحث هویتی را پیگیری می‌کنیم؟
جمه‌وری اسلامی در طول ۳۷سال گذشته هر جایی که حضور یافته است، ابتدا برای پیگیری مباحث هویتی بوده، اما وقتی آن مناطق محل نزاع و چالش شده است دیگر حواص آن مناطق وجه امنیتی برایش پیدا کرده است. به این معنا با شما موافقم که اکنون نفوذ ما در

سوریه و مناطق دیگر، بیش از آن که وجه هویتی داشته باشد، وجه امنیتی دارد.

مشخصا دغدغه‌های ایران در خاورمیانه چیست؟

ایران دو دغدغه عمده دارد. یکی اینکه جبهه مقاومت حفظ شود و دیگر اینکه ایران فکر می‌کند اگر می‌خواهد یک قدرت منطقه‌ای باشد، حامیان خودش را نباید از دست بدهد. چرا که ایران فکر میکند اگر این کار را بکند، دیگر کسی در منطقه روی ایران حساب نمی‌کند. فرضا می‌خواهد نشان دهد که مثل روسیه نیست. روسیه کشوری است

که تا آخر با کسی یاعلی نمی‌گوید.
در مورد اول باید بگویم که اگر ایران از یک دولت مردمی در سوریه حمایت کند، این دولت امکان دارد از دولت بشار اسد قویتر باشد. چنین دولت مردمی احتمال اینکه بلندی‌های جولان – به عنوان یک منطقه استراتژیک – را از اسرائیل پس بگیرد بیشتر است و این به معنای فشار بیشتر از بر اسرائیل است.

اگر دولت مردمی در سوریه به گونه‌ای شود که ما نفوذی در سوریه نداشته باشیم چه؟

اصل ۱۵۲ قانون اساسی دخالت‌های ایران در کشورهای دیگر را رد کرده است. در این اصل می‌گوید که ما با حکومت‌هایی موافق هستیم که شیعه باشد یا مسلمان غیر شیعه یا مردمی. حال اگر در سوریه یک حکومت مردمی شکل بگیرد این برای ما مزیت است. این جزء پرنسپ‌های ایران است؛ چرا که از حکومت‌هایی دفاع می‌کند که مردمی است.

حتی اگر ایسن حکومت مردمی راه اتصال ایران به حزب‌الله نباشد؟

بله. حتی اگر این حکومت مردمی راه اتصال به حزب‌الله نباشد، چرا که اصل برای ایران فشار و تضعیف اسرائیل است و نه نفوذ. من فکر می‌کنم دولت مردمی در سوریه فشار بیشتری به اسرائیل وارد می‌کند؛ حداقل در بحث بازپسگیری بلندی‌های جولان. نکته بعدی این است که قطع ارتباط ما با سوریه به معنای قطع ارتباط سوریه با لبنان نیست، چرا که این دو کشور ارتباطات تاریخی دارند و مستقل از این است که ما با سوریه ارتباط داشته باشیم یا نه. نکته بعد اینکه قطع ارتباط ما با سوریه به این معنا نیست که ارتباط ما با لبنان و حزب‌الله قطع می‌شود. چرا که این ارتباط لزوما ارتباط جغرافیایی نیست. این ارتباطات می‌تواند حمایت معنوی و فرهنگی باشد.

لايد وقتی حصر ف از «ارتباطات معنوی و فرهنگی» می‌زنیم، این را در مقابل ارتباطات نظامی در نظر می‌گیریم. این چیزی نیست که حاکمیت آن را تبلیغ می‌کنند.

بله. به اعتقاد من در چارچوب منافع ملی ایران ما نیاز به یک بازبینی در رویکردهای منطقه‌ای خودمان داریم. به عنوان مثال باید تلاش کنیم حزب‌الله از یک گروه شبه نظامی در لبنان به یک حزب مسلح تبدیل شود. این با منطق نظام بین‌الملل

هم می‌خواند. اگر حزب‌الله به یک حزب سیاسی بدل شود، آن گاه بر اساس دموکراسی عددی – که اتفاقا موافق روه‌های بین‌الملل است – شیعیان در لبنان قدرتمندتر خواهند شد؛ چرا که در لبنان ۴۰درصد شیعه داریم، ما آنها ۴۰درصد قدرت را ندارند. آنها فقط ریاست پارلمان را در اختیار دارند.

در اینجا این موضوع مطرح می‌شود که فرضا اگر ایران راضی شود حزب‌الله به یک حزب سیاسی بدل شود، ممکن است دیگر طرف‌ها زیر قولشان بزنند و ۴۰درصد قدرت را به شیعیان ندهند.

ببینید ما تمام حرفی که در منطق سیاست خارجیمان دنبال می‌کنیم این است که اگر با روال متعارف عمل کنیم – یعنی با روالی که هم منافع ملی شما را در بر داشته باشد و هم قابلیت پیاده‌سازی داشته باشد – آن گاه تهدید کشور‌های که نامتعارف عمل میکنند پررنگ می‌شود. شما اگر از دموکراسی عددی دفاع کنید، حتی اگر طرف مقابل به قول و قرارهای خود پایبند نباشد، این تهدید اسرائیل است که برجسته می‌شود؛ چرا که اوست که نامتعارف عمل کرده است و نه شما. به عنوان مثال اکنون عربستان فکر میکند مسئله شیعیان در زهران، مسائل نفتی و تغییر رژیم(regim change) همه زیر سر ایران است و بنابراین ایران را دشمن خود می‌داند و نه اسرائیل. را چرا که اسرائیل به این مسائل کاری نداشته است.

مشخصا مدل شما چیست؟ شما برای بهبود این وضعیتی که بدان نقد دارید، چه مکانیسمی پیشنهاد میکنید؟

به اعتقاد من برای رسیدن به یک مدل سیاست خارجی باید سه مسئله تحلیل شود؛ الگوی سیاست خارجی ایران؛ روندی که تاکنون طی شده و بحث برجام. هدف آن است که به این سوال پاسخ دهم که آیا الگویی که از منطق‌گرایی در نظام معنایی ما وجود داشته است، یا روندی که طی شده تطابق داشته است یا خیر. پاسخ به این سوال ما را به این معنا رهنمون میکند که در نسبت میان الگو و روند طی شده، چه مللهای احتملی برای سیاست خارجی مطلوب متصور است.

لطفا بفرمایید منظور از الگوی سیاست خارجی چیست؟

منظور از الگوی سیاست خارجی این است که بدانیم در نظام معنایی سیاستمداران ایران، منطق‌گرایی چه جایگاهی داشته و دارد. برای این منظور باید به سوالات پرشماري پاسخ دهیم. مثلا اینکه آیا منطق‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی مد نظر است؟؛ برخی می‌گویند مد نظر نیست، زیرا در منطق‌گرایی مجبوریم قسمتی از استقلال و حاکمیت ملی خود را به نهادی بزرگ‌تر بدهیم. برخی می‌گویند برای ایران تنها اهدافشخصی مهم است. در هر حال ابتدا این مهم است که بدانیم آیا ایران حاضر است بخشی از استقلال و حاکمیت خود را به واحد بزرگ‌تری بدهد یا خیر.

و روندی که سیاست خارجی طی ۲۷ سال گذشته طی کرده‌است؟

ما یک دوره‌ای «وحدت اسلامی» داشتیم. اینکه می‌خواستیم همه را زیر چتر خود جمع کنیم. یک دوره‌ای امام‌القرای اسلامی داشتیم. به این معنا که ایران باید مدل باشد. یک دوره تشنه‌زایی داشتیم. یک دوره شرقگرایی و یک دوره‌ای اعتدال‌گرایی.

نکته سومی که اشاره کردید، بحث برجام

و به رسمیت شناخته شدن

دستسپایی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای بود. این رخداد چگونه در طراحی سیاست خارجی مطلوب تأثیر می‌گذارد؟

عربستان تا قبیل از برجام سیاست تقابلی خود را بر محور اینکه ایران بمب هسته‌ای دارد سوار کرده بود. امسا اکنون این بهانه از او گرفته شده است. بنابراین ترتیبات امنیتی دیگری برای

تقابل گشوده است. نکته دیگر آن است که ایران با امضای برجام تقریبا مطمئن شده است که از بیرون مرزها آماج تغییر رژیم قرار نمیگیرد. به این دلیل که ایران سلاح هسته‌ای ندارد و بهانه‌ای برای حمله به ایران وجود ندارد. حال نکته این است که اگر کشوری حس کند که از بیرون مرزهایش تحت تهدیدهای تغییر رژیم قرار نمیگیرد، آنگاه میتواند بازگر باتباتی در منطقه باشد. در اینصورت از آنجا که ایران محل اتصال آسیای جنوب غربی و آسیای مرکزی است و به نوعی چهار راه جهان محسوب

دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۹۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۱۰

سیاست

خبر

ظریف در دیدار وزیر کشور عمان: همکاری سازنده باید جای توهم رقابت را در منطقه برکرد

وزیر امور خارجه گفت: همکاری سازنده و درک متقابل در منطقه باید جای توهم رقابت را بگیرد تا بتوانیم از این مقطع تاریخی عبور کنیم. به گزارش اداره کل دیپلماسی رسان‌های وزارت امور خارجه، «محمدجواد ظریف» روز گذشته در دیدار «حمود بن فیصل البوسعدی» گذشته در دیدار «حمود بن فیصل البوسعدی» با اشاره به روابط بسیار خوب جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی عمان آن را ناشی از خواست، اراده و درایت رهبران دو کشور خواند و اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران هیچ محدودیتی برای گسترش روابط خود با عمان ندارد.

وی تاکید کرد: روابط دو کشور می‌تواند الگویی برای مناسبات میان سایر کشورهای منطقه‌باشد.

وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به ضرورت همکاری همه کشورها برای تأمین صلح و ثبات منطقه خاطر نشان کرد: بی‌ثباتی و ناامنی در هر کشوری تهدیدی برای تمامی کشورهاست و ناامنی‌های موجود، منطقه‌و حتی جهان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

«حمود بن فیصل البو سعیدی» وزیر کشور پادشاهی عمان نیز در این دیدار با اشاره به نقش دیپلماسی و جایگاه جمهوری اسلامی ایران گفت: روابط دو کشور در سطح ممتازی قرار دارد و ما معتقدیم در عمل می‌توانیم روابط دو جانبه را بیش از پیش و در همه زمینه‌ها گسترش دهیم.

وی با اشاره به اینکه از طرف دولت عمان نیز هیچ مانعی برای گسترش روابط وجود ندارد،افزود: استنباط ما این است در منطقه هم تمایل به گسترش روابط با جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

خبر

فرمانده یگان ویژه ناجا خبر داد

هلاکت ۳ داعشی در کرمانشاه

فرمانده یگان‌های ویژه ناجا از اجرای ۵مورد عملیات برخورد با اشرا‌ر و گروهک‌های تروریستی در سال جاری خبر داد. به گزارش ایسنا، سردار «حسن کریمی» در نشست خبری یادواره ۱۲۰۰ شهید یگان‌های ویژه ناجا در این باره اظهار کرد: در سال‌جاری ۵مورد عملیات برخورد با اشرا‌ر و گروهک‌های تروریستی توسط واحد توپو یگان ویژه انجام شده است و یک مورد در سیمیرم اصفهان بود که یک فرد سلبنه‌نار و دارای جرایم مختلف توسط واحد توپو شناسایی و به هلاکت رسید. وی ادامه داد: در موردی دیگر با یک شرور در فسا برخورد شد و آخرین مورد نیز واحد خودی در استان کرمانشاه ۳تن از اعضای گروهک تروریستی داعش را که مجهز به جلیقه انفجاری و سلاح بودند، به هلاکت رساندند. سردار کریمی درباره عملیات‌های اخیر یگان ویژه در سال‌های اخیر گفت: از خسر ۹۲ تاکنون یگان ویژه ۲۸ عملیات رهایی‌گروگان و برخورد با گروهک‌های تروریستی را در کشور انجام داده که البته به جز آخرین مورد که در کرمانشاه رخ داد، عوامل سیاسی نبوده و دلایل دیگری در کار بوده است. وی درباره برخورد با داعش در کشور نیز گفت: به جز مورد کرمانشاه، یگان ویژه بر خود دیگری با داعش نداشته است.

فرمانده یگان‌های ویژه ناجا حفظ امنیت در داخل کشور، مقابله با عملیات‌های تروریستی، مقابله بافتشاشات، مردم‌باری جزومأموریت‌های اصلی یگان‌های ویژه ناجا برشمرد. وی واحد توپو را از بهترین یگان‌های رهایی‌گروگان در خاورمیانه و حتی سطح جهان توصیف کرد و افزود: در بسیاری از عملیات‌های رهایی‌گروگان که در جهان رخ می‌دهد شاهد این هستیم که برخی از افراد عادی دچار آسیب می‌شوند یا به گروگان صدمه می‌رسد اما در کشور ما از سال ۹۳ تاکنون هیچ عملیاتی نبوده که یگان ویژه در آن باشند و به گروگان یا افراد عادی نیز صدمه برسد، در مواردی گروگانگیر به هلاکت رسیده است. سردار کریمی درباره عملیات‌های پلیس خارج از کشور اظهار کرد: یگان ویژه همی مأموریتی در خارج از مرزها ندارد و اگر عملیات هم با دیگر پلیس‌ها در خارج از کشور داشته باشیم، از طریق اینترپل انجام می‌شود. فرمانده یگان‌های ویژه ناجا همچنین درباره آمادگی پلیس در ایام اربعین اظهار کرد: عملیات‌های مردم‌باری یکی از اقداماتی است که یگان ویژه برعهده دارد در همین راستا ما نیز واحد خود را در دو استان ایلام و خوزستان مستقر کرده‌ایم. سردار کریمی افزود: وظیفه‌ما تأمین امنیت زائران در مرزهاتست و یگان ویژه در خاک کشور عراق عملیاتی ندارد، ما در ایام اربعین اقدامات مردم یاری را در کنار تأمین امنیت زائران انجام می‌دهیم. فرمانده یگان‌های ویژه ناجا با بیان اینکه یگان‌های ویژه در شرایط عادی در عملیات‌های امداد‌رسانی به حادثه‌دیدگان زلزله و… حضور فعال دارد خاطر نشان کرد: همچنین در عملیات‌هایی ماننداطفای حریق جنگل‌هانیز یگان ویژه اقداماتی را انجام داده است. وی درباره حضور یگان ویژه در طرح سالم‌سازی دریا نیز گفت: یگان ویژه ۲۵۰ نفر را در سواحل گیلان و مازندران نجات دادند. سردار کریمی درباره حضور مأموران یگان ویژه در ورزسگانها نیز گفت: یگان ویژه در بازی‌های لیگ برتر و بین‌المللی در ورزشگاه‌ها حضور دارد و در دیگر مسابقات تأمین امنیت بر عهده عوامل امنیتی است.